

مختصات راهبردی - مدیریتی کارگزاران جمهوری اسلامی ایران از نگاه رهبر انقلاب

k.ebrahimi@chmail.ir
forghani87@gmail.com
hparkan@yahoo.com

✉ کریم ابراهیمی / دانشجوی دکتری مدیریت، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم
یونس فرقانی / دانشجوی دکتری مدیریت، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم
حسین پرکان / دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم
دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۹

چکیده

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های سیاست‌گذاری، ویژگی‌ها و مختصات مدیریتی و رفتاری سیاست‌گذاران است. التزام عملی به هنجارها و اصول اعتقادی رایج در هر جامعه، سیاست‌گذاران را وادار به اخلاق‌مداری و پرورش شایستگی‌های متناسب با شأن سیاست‌گذاری می‌کند. اگر در هر حکومت، براساس ارزش‌های حاکم، معیارهایی مشخص شود که تضمین وثیقی برای رعایت اخلاق از سوی خطمشی‌گذاران ایجاد کرده، و براساس آن مدیران نالایق به طور طبیعی، ناموزون جلوه کنند، انتظاراتی که از سازمان‌ها وجود دارد، محقق خواهد شد. از این‌رو، با عنایت به ارزش‌های حاکم در جمهوری اسلامی و با توجه به اشراف رهبر انقلاب، بر این ارزش‌ها و نیازهای جامعه و تشخیص دقیق ایشان در شناسایی مسئولان کارآمد، در این نوشتار با روش تحلیل محتوای سخنان ایشان به سیاست‌گذاران، با هدف کشف اصول و معیارهای اصلی کارگزاران جمهوری اسلامی ایران تدوین یافته است. حاصل این پژوهش، استخراج هشت شاخص کلان شامل اندیشه اسلامی و التزام به آن، مدیریت صحیح امور، گرایش به اتحاد و انسجام، تعهد به نظام اسلامی، مردم‌مداری، خودباوری، آرمان‌گرایی و عدالت‌محوری می‌باشد. این اصول و معیارها می‌تواند راهنمای عمل جامع مدیران دولتی ایران باشد که براساس آن، مسیر سیاست‌گذاری مبتنی بر مبانی انقلاب اسلامی برای مسئولان بخش دولتی روشن شود.

کلیدواژه‌ها: کارگزاران جمهوری اسلامی ایران، مدیریت دولتی ایران، اخلاق سیاست‌گذاری، تحلیل مضمون.

مقدمه

در هزاره سوم و در کشاکش تغییرات سریع و گسترده‌ای که همه‌چیز را تحت‌تأثیر خود قرار داده است، یکی از عمده‌ترین مباحثی که ذهن عموم مردم و سازمان‌ها را به خود مشغول کرده است، رعایت اصول اخلاقی حاکم بر شغل و حرفه کارکنان دولتی است (بیک‌زاد و همکاران، ۱۳۹۱). امروزه مباحث فراوانی در خصوص اخلاق اداره، اخلاق سرپرستی و اخلاق در سیاست‌گذاری، در رده اول تحقیقات محققان و توجهات سازمان‌ها و مدیران قرار گرفته است. اخلاق به طور کلی، التزام نسبت به یک مجموعه هنجارها و قواعد ارزشی است؛ ممکن است این قواعد شفاهی، کتبی یا روانشناختی باشند، یا اینکه فرهنگ هر جامعه و ارزش‌های حاکم، این قواعد را به اخلاق تزریق نماید. آنچه اهمیت فراوانی دارد، پایبندی و التزامی است که در سایه اخلاق به دست می‌آید. این التزام البته به قوت قواعد تدوین شده بسیار مرتبط است؛ اگر این قواعد از مبنایی منطقی، متعالی و قدسی تغذیه شود، خود الزام متقنی برای اخلاق فراهم می‌آورد. پیشبرد اهداف سازمان و رفع نیازهای جامعه از این طریق، تنها بوسیله اخلاق محقق نخواهد شد، بلکه لازم است مدیران و کارکنان سازمان‌ها، با ایجاد سایر شایستگی‌های مدیریتی موردنیاز در خود، در هدایت سازمان به سمت اهداف متعالی به ایفای نقش بپردازند. از سوی دیگر، فلسفه وجودی سازمان‌ها در تمامی جوامع امروزی، نیل به اهداف جامعه و رفع نیازهای مردم با خدمت‌رسانی به آنها است (استونر و فریمن ۱۳۸۹، ص ۹). در واقع، خدمت به مردم همان هدف متعالی است که سکندار هر سازمان موظف است، سازمان را به آن سمت راهبری نماید. اما برای خدمت به مردم و جامعه اولاً، باید نیازهای جامعه را با دقت شناسایی کرد. و ثانیاً برای رفع آنها، شایستگی تخصصی و اخلاقی لازم را در خود ایجاد نمود.

از این‌رو، محققان در این پژوهش، به دلیل اشراف اطلاعاتی و مدیریتی رهبر انقلاب نسبت به جامعه، به این نکته پی بردند که منویات و نظرات ایشان، مرجع مناسبی برای شناسایی صفات و ویژگی‌های سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی، تراز انقلاب اسلامی می‌باشد، و سخنان ایشان کفایت لازم را برای گزینش و انتخاب سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی را دارد. در تحقیق پیش رو، پس از تتبع نسبتاً جامعی در خصوص اخلاق حرفه‌ای و استانداردهای اخلاقی، در بخش دولتی و ضمن مفهوم‌شناسی انگیزش خدمات عمومی، به عنوان یکی از مباحثی که به شدت توانسته بر انگیزه مدیران، در خصوص خدمت‌رسانی به جامعه تأثیرگذار باشد و ملاک‌هایی را برای شناسایی سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی شایسته ارائه می‌دهد، به لزوم تدوین یک راهنمای عمل جامع، مشتمل بر معیارها و سنجه‌های گزینش مدیران در نظام جمهوری اسلامی پرداخته است؛ راهنمای عملی که از یک سو، مبتنی بر ارزش‌های حاکم در نظام اسلامی و از سوی دیگر، مشتمل بر استانداردهای اخلاقی روشنی باشد که سیاست‌گذاران بتوانند در عمل، آن استانداردها را سرلوحه کار خویش قرار دهند. اقتضای جمهوری اسلامی و جامعیت نگاه رهبری، ما را بر آن داشت تا مبنای اساسی این راهنمای عمل را توصیه‌ها و منویات ایشان قرار داده، ارزش‌های مدنظر ایشان را به عنوان ارزش‌های کلیدی، مورد نیاز مسئولان در نظر بگیریم.

در تحقیق پیش‌رو، نگارندگان بر آنند تا استانداردهای اخلاقی، که خط‌مشی‌گذاران و کارکنان نظام اسلامی ایران براساس نظرات عالی‌ترین مقامات کشور، ملزم به رعایت آنها هستند، به روش تحلیل محتوا و مضمون‌شناسایی و آن را به عنوان راهنمای عمل مسئولان به فضای سیاست‌گذاری و اداری کشور تسری دهند. به‌علاوه، در این مجال خصایص و صفاتی را که یک مسئول دولتی، اعم از صفات شخصی و کاری، باید داشته باشد، ارائه شده تا از یک سو، مسئولان در هنگام استخدام افراد برای مشاغل دولتی، به ویژه مشاغل حساس سیاست‌گذاری، و از سوی دیگر، سیاست‌گذاران به هنگام تنظیم و تدوین سیاست‌های خرد و کلان، آن را سرلوحه کار خویش قرار دهند.

بدین منظور، نگارندگان با بررسی ۵۷ سخنرانی از رهبری انقلاب، که در میان سال‌های ۸۳ تا ۸۷ در جمع مسئولان و سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی ایران ایراد شده است، به روش تحلیل محتوا، به هشت مؤلفه‌ی اصلی در دیدگاه ایشان، که هر یک در سه یا چهار سطح، دارای زیرمجموعه‌هایی هستند، دست یافتند که در پایان پژوهش، به این مدل پرداخته شده است.

ادبیات موضوع

اخلاق و اخلاق سیاست‌گذاری؛ مفهوم‌شناسی و اهمیت

«اخلاق»، جمع خلق است به معنای صفات و ملکات نفسانی که می‌توانند خوب یا بد باشند (فاطمی‌تبار، ۱۳۸۷). اخلاق، عبارت است از: قواعد ارزشی و هنجاری یک جامعه، که در رفتار افراد آن جامعه منعکس می‌شود (آذر، ربیع‌ه و همکاران، ۱۳۸۷). برخی با تقسیم اخلاق، براساس مبانی رئالیسم و ایده‌آلیسم، یا عینی‌گرایی و تفسیرگرایی، به تعریف این مفهوم پرداخته‌اند. تعریف نخست زیر، تعریفی عینی‌گرا از اخلاق و تعریف دوم، تعریفی تفسیرگرا از اخلاق است (شیران، ۱۹۹۳، ص ۴۹):

– استانداردهای هنجاری انجام کار، که از اعتقادات مذهبی یا عرفی سرچشمه می‌گیرد؛

اخلاق یک نوع رادیکال از تردید را در زندگی روزمره معرفی می‌کند. اخلاق به آینده نگاه می‌کند. اخلاق، با نیکی و راستی کردار و رفتار افراد سروکار دارد.

– در یک تعریف ساده‌تر، اخلاق عبارت است از: آنچه که مشتمل بر یک فعالیت انسانی، و اصول مبرهنی است که تعیین می‌کند کردار فرد خوب، بد یا خنثی است (همان، ص ۹۱).

– «اخلاق سیاست‌گذاری را می‌توان شاخه‌ای نسبتاً جدید از اخلاق کاربردی دانست که هدفش تحلیل معضلات، دو راهی‌ها و چالش‌های اخلاقی پیش‌رو، در فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی عمومی است» (موسوی و السی، ۱۳۹۸). دانشمندان و متخصصان عرصه سیاست غالباً تمایل دارند از ایجاد یا کشف ارتباط صریح و روشن، با جنبه‌های اخلاقی سیاست عمومی اجتناب کنند (رزنتال و پرلمان، ۱۹۸۶). از این‌رو، در نگاه اول، ممکن است پیوند بین سیاست و اخلاقیات، مثل پیوند دو چیز غیرمرتبط تصور شود. اخلاقیات، مربوط به تکریم شخصیت انسانی خود و دیگران است و

ارتباطی با مباحث خطمشی‌گذاری و خدمات عمومی ندارد. اما باید اذعان کرد که اخلاق سیاسی فقط موضوع ارتشا، فساد و کلاهبرداری یا عدم آنها نیست، بلکه جزء ذاتی همه خطمشی‌هایی است که در آنها، تصمیمات بر ارزش انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. اخلاق عمومی، اخلاق خطمشی‌گذاری عمومی است (کالپن، ۱۹۵۸). البته، باید توجه داشت علیرغم اجتناب دانشمندان و متخصصان عرصه سیاست، از پیوند اخلاق و سیاست، فلاسفه سیاست، متخصصان اخلاق کاربردی و مفسران اجتماعی و سیاسی، تمرکز زیادی بر تحلیل دلالت‌های اخلاقی سیاست عمومی دارند (رزنتال و پرلمان، ۱۹۸۶).

از این‌رو، اخلاق سیاسی، یا سیاست اخلاقی را می‌توان مولود پیوند دو مفهوم اخلاق و سیاست دانست که در جوامع مختلف، به اقتضای سنگینی کفه اخلاق یا سیاست حضور می‌یابد. در جامعه‌ای که اخلاق زیربنای سیاست قرار گیرد، اخلاق پشتیبان معرفت‌شناسی و در جامعه‌ای که سیاست حرف اول را می‌زند، اخلاق از آبخور سیاست سیراب می‌شود. به هر حال، انفصال رابطه اخلاق و سیاست، امروزه اندکی دور از ذهن می‌نماید؛ چه در ظاهر و با هدف عوام‌فریبی و چه در اصل و ماهیت.

به طور کلی، می‌توان ادعا کرد که اخلاق در خدمات عمومی طی بیست سال اخیر، به یک موضوع مهم تبدیل شده است. فسادهای متعددی که دول و ملل سراسر جهان را در مانده نموده، از جنگ ویتنام گرفته تا بحث واترگیت و پس از آن جنگ ایران، توجه عموم را به سمت رفتار اخلاقی مسئولان و کارکنان دولتی معطوف ساخته است. همین موضوع، که امروزه محل بحث بسیاری از محافل شده؛ یعنی اخلاق، دولت ریگان را به خاطر حرکات خلاف اخلاق، طول ۸ سال حکومتش، به چالش کشید و بیش از ۱۵۰ تن از مسئولان دولتی در دولت او، به خاطر رفتار غیراخلاقی از کار برکنار شدند (شیران، ۱۹۹۳، ص ۹۱).

بنابراین، اگرچه در عمل ضرورت حضور اخلاق در مناسبات کاری، سیاسی و دولتی، به شدت احساس شده، اما این حضور به دلیل فقر تئوریک در حوزه مدیریت دولتی و اخلاق، هنوز جایگاه اصیل خود را پیدا نکرده است. به عبارت دیگر، خلأ تئوریک در بحث اخلاق در مدیریت دولتی، منجر به ناشناخته ماندن اهمیت این بحث برای مدیران و نیز غفلت از زوایای آن شده است.

یکی از دلایل اهمیت بحث از اخلاق در حوزه عمومی، تأثیرات نامطلوبی است که رفتار غیراخلاقی دولت‌ها، می‌تواند بر حکمرانی دموکراتیک داشته باشد. فساد یا رفتار غیراخلاقی مقامات منتخب، می‌تواند موجب کاهش مشارکت عمومی شود؛ زیرا برخی شهروندان تمایل به همکاری در امور خلاف قانون و غیراخلاقی ندارند (فوردینگ و همکاران، ۲۰۰۳). پس می‌توان توجه‌هایی را که بر اثر لغزش‌های اخلاقی در دولت ریگان، به اخلاق مسئولان و کارکنان دولتی منعطف شد، را به شدت موجه دانست.

دلیل دیگر اهمیت مباحث اخلاقی در خدمات عمومی، تعهدی است که مسئولان دولتی نسبت به منفعت عامه دارند. در واقع کارکنان دولتی مسئولیت و اعتماد عمومی را به دوش می‌کشیدند و مسئولان، مدیران و کارکنان دولتی، سوگند یاد کرده‌اند که متعهدانه به وظایف و مسئولیت‌های خود پایبند باشند (شیران، ۱۹۹۳). بنابراین، به عنوان معتمدان مردم، که به طور حقیقی ولی نعمتان دولت هستند، باید نسبت به منافع آنها در خود، تعهدی اخلاقی را حس کنند.

فسادهای متعدد مسئولان دولتی در کشورهای سراسر دنیا، پرده از این موضوع برمی‌دارد که مسئولان اگرچه بوسیله سوگند خود را متعهد به انجام وظیفه می‌کنند، اما تعداد زیادی از آنان این پیمان را شکسته، به کارهای غیراخلاقی دامن می‌زنند. این موضوع حاکی از این است که اخلاق تنها به واسطهٔ سوگند و آموزش و نظر قابل حصول نیست، بلکه آنچه انسان را ملزم به رعایت اخلاق در امور و شئون مختلف می‌کند، البته چیز دیگری است؛ حضور اخلاق منوط به حضور قوه‌ای درونی است که کارایی و عملکرد این قوه در موقعیت‌های مختلف بستگی به مقدماتی دارد که خود فرد فراهم نموده است. به عبارت دیگر، قوهٔ درونی یا ملکات نفسانی انسان، ابتدا باید خوب تغذیه شده باشد تا بتواند فرد را در شرایط مختلف در مسیر اخلاقی هدایت کند. تقوا یا خودنگهداری، توصیه‌ای است که اسلام همواره بر آن پافشاری می‌کند. حضور این خصیصه، خود به خود، حضور اخلاق را در پی خواهد داشت و سازمان‌هایی که از کارکنان این چنینی برخوردارند، نگرانی کمتری نسبت به امور اخلاقی خواهند داشت.

استانداردهای اخلاقی در بخش دولتی

چارچوب اخلاقی که توسط باسرت و دمک (۲۰۰۵) طراحی شده، مرجعی است که ارزش‌ها و استانداردهای مبنایی رایجی که دولت‌ها برای مطلوب سازی عملکردشان، در بعد خدمات عمومی و دولتی را باید به آنها توجه کنند، منعکس می‌سازد. این چارچوب، که در واقع مجموعه‌ای از استانداردها را احصا کرده، به صورت جامع به ارزش‌های اصلی، استانداردهای مشخص، و فعالیت‌هایی که برای تضمین انسجام پرداخته، موقعیت‌هایی که ممکن است اخلاق را به خطر بیندازد، ارزیابی می‌نماید (رادیکا، ۲۰۱۲). تشخیص اخلاقی بودن یا نبودن کار مدیران دولتی، نیازمند تدوین شاخصی است که این شاخص می‌تواند قانون، عرف، دیدگاه مدیران عالی و ... باشد.

ملت‌های مدرن، نظریه‌ای خاص و منحصر به فرد در خصوص استاندارد اخلاقی، برای مدیران دولتی ندارند. اگرچه بسیاری از فرهنگ‌های گذشته، چنین استانداردهایی داشته‌اند. به عنوان مثال، مدیران دولتی در ایالات نیاس، باید استانداردهای رفتاری مشخصی را در برخورد با مردم رعایت نمایند. البته حتی در ملت‌های مدرن نیز نمی‌توان وجود استانداردهای اخلاقی، مرتبط با رژیم را برای مدیران عمومی انکار کرد. برای مثال، در برخی از رژیم‌های تمامیت‌گرا مثل کوبا، اخلاق برای کارمندان بخش عمومی، بر اساس استانداردهای ایالتی صریح و یا ضمنی و با استفاده از کنترل‌های خارجی و داخلی، برای رعایت آنها، قانونگذاری شده است (سوزوکی، ۱۹۹۵). به طور کلی، در سال‌های اخیر بسیاری از کشورها، یا قوانین اخلاقی را به‌روز می‌کنند، یا مجموعه قوانین جدیدی برای کنترل فساد و برگرداندن اعتماد عمومی به دولت، به تصویب می‌رسانند (فوردرینگ و همکاران، ۲۰۰۳).

برای رعایت استانداردهای بالای رفتار اخلاقی، توسط مدیران عمومی، سازوکارهای تقویتی گسترده‌ای وجود دارند. این سازوکارها، به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. کدهای اخلاقی شامل قوانین، مقررات حرفه‌ای و ... ۲. پلیس اخلاقی با مسئولیت‌های مشخص برای کنترل استانداردهای اخلاقی؛ و ۳. استراتژی‌های فرهنگی، که تلاش می‌کند فضای سازمانی را به سمت رفتار اخلاقی هدایت کند (هادلستون و سندز، ۱۹۹۵).

به طور کلی، استانداردهای اخلاقی در مدیریت دولتی، منابع و مآخذ مختلفی می‌توانند داشته باشند. در شرایطی، استانداردهای اخلاقی توسط مردمی که خدمت دریافت می‌کنند، وضع می‌شود. در شرایطی دیگر، توسط سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمت. اما نکته قابل توجه این است که تا چه مقدار این استانداردها، پابندی افراد به اصول اخلاقی را ضمانت می‌کنند؟ در واقع الزاماتی که یک استاندارد اخلاقی خوب باید داشته باشد، چیست؟ باید خاطر نشان کرد که تدوین یک استاندارد اخلاقی خوب، منوط به مرجع و مآخذی است که این استانداردها از آن استخراج می‌شود؛ مرجع انتخاب استاندارد باید صلاحیت، ظرفیت و غنای لازم را برای استخراج استاندارد داشته باشد. به عبارت دیگر، زیربنای تدوین استاندارد و اصول اخلاقی، باید به گونه‌ای باشد که توانمندی پوشش همه ابعاد مرتبط با اخلاق را داشته باشد.

انگیزش خدمت عمومی

جریانی دیگر در ادبیات مدیریت دولتی، که ارتباط نزدیکی با تحقیق حاضر دارد، مبحث انگیزش خدمت عمومی (PSM) است. این مبحث، البته ارتباط تنگاتنگی با مبحث اخلاق عمومی دارد، به طوری که پیری، PSM را نوعی تعریف رسمی از اخلاق خدمت عمومی می‌داند (پیری، ۱۹۹۶).

تحقیق درباره انگیزش خدمت عمومی (PSM) را می‌توان در شش زمینه اصلی خلاصه کرد: مفهوم و سنجش آن، میزان رواج آن، پیشینه، پیامدها، سیستم‌های سازمانی و تعامل با سایر انواع انگیزش (کیم و واندنابیل، ۲۰۱۰). در ذیل، به لحاظ ارتباط این تحقیق با بعد اول (مفهوم‌شناسی و معیارهای سنجش PSM)، به اختصار به تبیین آن می‌پردازیم.

مفهوم‌شناسی انگیزش خدمت عمومی

در دو دهه اخیر، پژوهش در باب PSM و ساخت‌های مربوط به آن، در سایر رشته‌ها رشد چشم‌گیری داشته است. بیشتر پژوهش‌هایی که مستقیماً روی این موضوع متمرکز شده‌اند، از سال ۲۰۰۰ به بعد انجام شده است. این مطلب سرعت رشد این تحقیقات در دهه اخیر را نشان می‌دهد (پیری و همکاران، ۲۰۱۰). در این دو دهه، PSM در پژوهش‌های مختلف، به بسیاری از فرایندهای سازمانی نظیر جذابیت سازمانی، عملکرد، رضایت شغلی، تعهد سازمانی و... مرتبط شده است (کیم و واندنابیل، ۲۰۱۰). اگرچه تحقیق درباره PSM در امریکا شروع شد، اما محققان در بسیاری از کشورها، این مفهوم را مناسب یافتند. علت استقبال وسیع بین‌المللی از این مفهوم، علاوه بر اینکه جایگزینی برای تئوری‌های انگیزش انتخاب عقلانی ارائه می‌دهد، در علاقه و باور پایدار به اصول اخلاقی خدمت عمومی، که در بسیاری از جوامع جایگاه برجسته‌ای دارد، نهفته است (کیم و واندنابیل، ۲۰۱۰).

PSM ریشه در این اعتقاد دارد که انگیزه‌هایی بی‌مانند، در میان خدمت‌گزاران عمومی یافت می‌شود که نسبت به انگیزه‌های بخش خصوصی متفاوت است (پیری و دیگران، ۲۰۱۰). انگیزش به طور عمده به نیرو دادن، هدایت نمودن و تقویت کردن رفتار اشاره دارد (پیری و پورتر، ۱۹۸۲). در واقع، جریان انگیزش خدمات عمومی در تقابل با تئوری‌هایی شکل گرفت که انسان را موجودی صرفاً عقلایی دانسته، و بر مبنای فلسفه اصالت سود و اصالت لذت، تنها بر ابعاد

اقتصادی انگیزش تأکید می‌کردند. در مقابله این جریان، با نگاهی واقع‌بینانه‌تر به انسان، سائقه‌های انسانی را به نحوی وسیع‌تر در نظر گرفته و انگیزه‌هایی نظیر نوع‌دوستی، شفقت، نیکوکاری و... را نیز در ارائه خدمت عمومی مؤثر می‌داند. پری و واینر PSM را به عنوان «تمایلی فردی برای پاسخ به انگیزه‌هایی که عمدتاً در نهادهای سازمان‌های عمومی ریشه دارند» تعریف کرده‌اند (پری و واینر، ۱۹۹۰). این تعریف، آشکارا در پی تأکید بر انگیزه‌هایی نظیر وظیفه مدنی و شفقت است که معمولاً با سازمان‌های عمومی مرتبط است (پری و همکاران، ۲۰۱۰). برای سنجش PSM در پژوهش‌های مختلف، معیارهایی ارائه شده است. ریشه بیشتر شاخص‌های PSM، چارچوب سنجشی است که پری ارائه داده است (پری و همکاران، ۲۰۱۰). بر اساس مدل پری PSM دارای چهار بُعد تمایل به خط-مشی‌گذاری، تعهد به خدمت عمومی، شفقت و فداکاری است (پری، ۱۹۹۶).

بر اساس نظر برور و همکاران، بر مبنای کار پری (۱۹۹۶) انگیزه‌های خدمت عمومی ترکیبی از انگیزه‌های مختلف بوده و پیچیده‌تر از آن است که در پژوهش‌های پیشین تصویر شده است. آنان با بررسی انگیزه‌های ۶۹ نفر، به چهار شاخص متمایز از PSM دست یافتند که عبارتند از: ۱. نیکوکاران ۲. جامعه‌گرایان ۳. میهن‌دوستان ۴. نوع-دوستان (برور و همکاران، ۲۰۰۰).

وندانیل نیز با مشاهده توسعه پژوهش‌های مرتبط با PSM، در کشورهای مختلف جهان و با توجه به نتایج آنها، سعی کرد مدل پری را اصلاح کند. او با انتقاد از ابعاد چهارگانه‌ای که پری (۱۹۹۶) ارائه داد، ابعاد زیر را مطرح نمود: ۱. انگیزه‌های ابزاری (مرتبط با رفتار)؛ ۲. انگیزه‌های ارزش‌محور (مرتبط با ارزش‌ها و اخلاق)؛ ۳. انگیزه‌های هویتی (مرتبط با گرایش)؛ ۴. فداکاری (کیم و واندانیل، ۲۰۱۰).

پیشینه تحقیق

در پیش‌گفتار کتاب راهبردهای اساسی خدمت‌گزاری آمده است: «در راستای یاری مدیران و مسؤولان جهت اطلاع و دست‌یابی آسان، به راهبردهای رهبر معظم انقلاب اسلامی در خدمت‌گزاری به مردم و نیز با هدف کمک به مردم و جوانان در اینکه چه چیزی را از مدیران و مسؤولان مطالبه کنند، تنظیم و تدوین شده است». در این مجموعه، بخش‌هایی از بیانات معظم له، که ارتباطی با هدف مذکور دارند، تحت عناوینی آورده شده‌اند. متون گزینش شده در مجموع، حاوی مضامینی مفید در جهت مذکور هستند. اما نحوه گزینش مطالب مشخص نبوده و منطق چینش آنها نیز روشن نیست. ضمن اینکه، مباحث کتاب در قالبی نظام‌مند ارائه نشده است و مفاهیم کلیدی مورد تأکید رهبری نیز در یک دسته‌بندی منسجم از مضامین تبیین نشده‌اند.

ویسی، در پژوهش خود با عنوان «آسیب‌شناسی مدیریت با الهام از اندیشه امام و رهبری»، ضمن ذکر برخی از آسیب‌هایی که متوجه مدیریت مدیران و مسؤولان در جمهوری اسلامی است، به درمان این آسیب‌ها از نگاه امام علی علیه السلام، امام خمینی علیه السلام و رهبر انقلاب پرداخته است. پژوهش مذکور، بنیان خود را بر استخراج انتقادات و آسیب‌هایی که امام و رهبری در خصوص مدیریت موجود در کشور، در دیدارهای گوناگون با مسؤولان در میان گذاشته بنا نهاده و نقش هر یک را در ویرانی کشور تبیین نموده است. ویسی در این مقاله بدون هیچ دسته‌بندی موضوعی، صرفاً به بیان ویژگی‌های منفی

یک مدیر، در نظام اسلامی پرداخته است. از سوی دیگر، استخراج ویژگی‌های مذکور نیز روش، اساس و منطق خاصی نداشته و تنها به صورت چند توصیه، به مدیران بیان شده است. «تمرکز قدرت، دنیازدگی و رفاه‌طلبی، قدرت‌طلبی، غفلت از خداوند و...»، از جمله آسیب‌هایی است که وی در پژوهش خود آنها را مدنظر قرار داده است.

بانکی‌پور و رفیعی نیز در پژوهشی مشابه، ملاک‌های کارگزاران و مدیران تراز انقلاب اسلامی مدنظر رهبری را گردآوری کرده و مهارت‌های مورد نیاز آن مدیران را بیان کرده‌اند. نوآوری این پژوهش، در دسته‌بندی ملاک‌های مدیران است. کتاب عیار مدیران، مشتمل بر ۶۴ ویژگی و ملاک است که پشت سر هم لیست شده، به شرح ذیل دسته‌بندی شده است. مهارت‌های مدیریتی (مهارت‌هایی که برای هر مدیری در هر نظام و با هر مرامی قابل استفاده است)، ویژگی‌های اخلاقی و معنوی، (آن دسته از ملاک‌هایی که برای یک متدین در قبول مسئولیت در هر نظامی باید لحاظ شود) و خصوصیات انقلابی (ویژگی‌هایی که در مدیریت‌های درون نظام جمهوری اسلامی باید لحاظ شود).

در پایان باید گفت: مهم‌ترین نقطه ضعف این تألیفات، علی‌رغم نکات مثبتی نظیر گزینش مناسب مطالب، ضعف در روش‌مندی و به تبع آن، عدم امکان داوری در خصوص یافته‌های آنهاست، به گونه‌ای که اساساً نمی‌توان روش دستیابی به مطالب بیان شده را فهم کرد. این نکته، ممکن است شائبه انتخاب گزینشی و سلیقه‌ای بیانات را به ذهن متبادر کرده و در نتیجه، عدم اقتناع و رضایت مکفی را برای خواننده در پی داشته باشد. نقطه ضعف دیگر این پژوهش‌ها را می‌توان در نحوه ارائه نتایج دانست. در اکثر این پژوهش‌ها، روش ارائه مطالب به این صورت است که عناوینی که بعضاً نامرتب با موضوع نیز هستند، ذکر شده و ذیل این عناوین، بخشی از بیانات آمده است. این نحوه بیان مطالب مانع از ارائه تبیینی نظام‌مند و طبقه‌بندی شده از مفاهیم مستخرج از بیانات شده است. نقص دیگری که از این نحوه نگارش دارد، عدم تبیین مفاهیم کلیدی مستخرج از بیانات است؛ مفاهیمی که بتوان از آنها به عنوان شاخص‌هایی جهت گزینش و ارزیابی سیاست‌گذاران و مدیران بخش عمومی استفاده نمود.

نگارندگان در این پژوهش، با در نظر گرفتن این موارد، روش تحلیل محتوا را برای رفع این نقائص مناسب یافتند. در تحلیل مضمون و محتوا با استفاده از روش کدگذاری مفهوم‌یابی اولیه بر روی متون منتخب صورت گرفته، این مفاهیم درون مقوله‌هایی بزرگتر جایابی می‌شوند و نهایتاً چند مقوله اصلی به عنوان مضامین کلیدی همراه با زیرمفهوم‌هایی به گونه‌ای نظام‌مند طبقه‌بندی می‌شوند. بنابراین پژوهش حاضر ضمن بهره‌مندی از روش مناسب و فراهم ساختن نسبی امکان داوری، سعی شده است نتایج تحقیق را به طریقی منسجم ارائه دهد، به گونه‌ای که امکان استخراج شاخص‌های کلیدی برای سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی فراهم شود.

وظایف خطمشی‌گذاران و تدوین راهنمای عمل جامع

فعالیت مسئولان بخش عمومی، براساس قلمرو فراگیری و شمولیت، تأثیرگذاری متفاوتی دارد؛ کارمندی که در یک قسمت خرد از یک اداره دولتی، به ایفای نقش می‌پردازد گرچه کیفیت کارش بر کل سازمان اثر خواهد گذاشت، اما اثرات نقش او به مراتب، با یک سیاست‌گذاری که سیاست‌های بخش کلان جامعه را تدوین می‌نماید، متفاوت است. به عبارت دیگر، حساسیت کار سیاست‌گذار بخش کلان، به دلیل جامعه هدف فراگیرتر، بسیار بیشتر خواهد

بود. از سوی دیگر، به دلیل اثرپذیری خطامشی گذاران از ارزش‌ها و اصول اخلاقی حاکم بر جامعه، ضرورت وجود یک «راهنمای عمل جامع»، برای هدایت خطامشی گذاران به شدت احساس می‌شود. راهنمای عملی، که از یک سو، مبتنی بر ارزش‌های حاکم در نظام اسلامی و از سوی دیگر، مشتمل بر استانداردهای اخلاقی روشنی باشد که سیاست‌گذاران بتوانند در عمل آن، استانداردها را سرلوحه کار خویش قرار دهند.

این اصول راهنما، در جوامع و فرهنگ‌های مختلف، به لحاظ تأثیر عمیق باورها و ارزش‌ها در هنجارهای مطلوب هر جامعه، اشکال متفاوتی به خود خواهند گرفت. برای مثال، *ویندبايل* تصریح می‌کند که محتوای مفاهیمی نظیر PSM، در میان ملت‌ها و مناطق مختلف، متفاوت است. نویسنده (۲۰۰۳)، در مطالعه‌ای با مقایسه پنج منطقه بین‌المللی، دریافت که ارزش‌های متفاوت خدمت عمومی در این مناطق پنج‌گانه، اثرات انگیزشی متفاوتی داشته‌اند. همچنین، پژوهشی دیگر نشان داد که مدل سنجشی PSM، که توسط پری ارائه شده است، به طور رضایت بخشی با جامعه بلژیک سازگار نیست (واندانیل، ۲۰۰۷).

روش تحقیق

در این پژوهش، از روش تحلیل مضمون و محتوا استفاده شده است که بر اساس آن، نگارندگان با انتخاب هفتمند ۵۷ سخنرانی از رهبری، که در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ ایراد شده است، به استخراج مضامین اولیه و سپس، مقوله‌بندی آنها ذیل مضامین کلی‌تر پرداختند. نهایتاً به هشت مؤلفه اصلی در دیدگاه ایشان دست یافتند. در ذیل جدول، نمونه‌ای از مضامین پایه و نیز جدول مؤلفه‌های اصلی، به همراه زیرمجموعه‌های سطح اول و دوم آن در نمایش داده شده‌اند.

جدول ۱: مضامین پایه

شماره	داده اولیه	مضمون پایه
۱	شما به خدای متعال باید جواب بدهید؛ هر چه که فکر می‌کنید باید پیش خدای متعال گفت؛ آن را بیان کنید و به فکرش باشید.	مسئولیت در برابر خدا
۲	خدای متعال مکرر در قرآن و از جمله، در این آیه ما را امر می‌کند به آموزش طلبی و توبه به سوی خدا. توبه، یعنی برگشت. این برگشت، هم در مرحله ایمان و هم در مرحله عمل و رفتار است. ما کوتاهی‌هایی داشتیم و داریم؛ باید خود را اصلاح کنیم؛ و این در درجه اول اهمیت است.	اصلاح خود توبه به سوی خدا
۳	امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> هم در اینجا به آن سفارش می‌کنند. «و لا تولهیم محاباة و اثره»؛ نه از روی دوستی و رفاقت کسی را انتخاب کن، که ملاک‌ها را در او رعایت نکنی فقط چون رفیق ماست، انتخابش می‌کنیم، نه از روی استبداد و خودکامگی؛ انسان بگوید می‌خواهم این فرد باشم؛ بدون اینکه ملاک و معیاری را رعایت کند یا با اهل فکر و نظر مشورت کند.	دقت در گزینش افراد
۴	وظیفه مهم این است که ما پایه‌های یک ایمان روشن‌بینانه و استوار را در ذهن نسل‌های جوان و رویه رشد خوهمان تقویت کنیم.	تقویت ایمان جامعه
۵	اینکه آدم خیال کند جماعت خاصی محور تصمیم‌گیری اند، کارها را آنها می‌کنند، انتصاب‌ها را آنها می‌کنند؛ اما وقتی نوبت تقسیم غنایم می‌شود، خودشان را زاهدانه کنار می‌کشند و می‌گویند نخیر، بروید بدهید به مردم، دیدیم و تجربه کردیم که این طوری نیست؛ منطقاً هم این‌گونه نیست.	دخیل کردن مردم در اداره امور
۶	آزادی را نباید بد معنا کرد. آزادی یکی از بزرگترین نعمت‌های الهی است که یکی از شعبش آزاداندیشی است. بدون آزاداندیشی، این رشد اجتماعی، علمی، فکری و فلسفی امکان ندارد. در حوزه‌های علمی، دانشگاه و محیط‌های فرهنگی و مطبوعاتی، هو کردن کسی که حرف تازه‌ای می‌آورد، یکی از بزرگترین خطاهاست؛ بگذارید آزادانه فکر کنند.	گسترش آزاداندیشی و احترام به آن
۷	واقعاً این مردم، این انسان‌های فهیم، لطیف و باذوق، شایسته خدمت‌کردند؛ حقاً و انصافاً خدمت به این مردم لذت‌بخش است.	شناخت صحیح مردم خدمت به مردم
۸	یکی از پایه‌های اقتدار ملی، این است که مسئولان کشور و احاد ملت اعتقاد داشته باشند، می‌توانند این راهها را طی کنند و این کارها را انجام دهند؛ خود را عاجز، بی دست و پا و در محیط بن‌بست احساس نکنند. این را باید به مردم بدهیم؛ این از جمله وظایف ماست؛ این جزو کارهایی است که دولت باید انجام دهد. موجبات اقتدار ملی جزو کارهایی است که مربوط به حکومت است و دستگاه‌های حکومتی باید انجام دهند.	اعتماد به نفس ملی ایجاد خودباوری در جامعه

جدول ۲: مؤلفه‌های اخلاقی و عملی سیاست‌گذاران مطلوب در جمهوری اسلامی

شاخص‌های کلان	شاخص‌های خرد	شاخص‌های خردتر		
اندیشه اسلامی و التزام به آن	ایمان به وعده‌های الهی	عقاید اسلامی		
		التزام عملی به دستورات دینی	آخرت‌گرایی	
			نگاه معنوی به مسئولیت	
			شناخت عمیق اسلام	
			محوریت موازین اسلامی در مدیریت	
			اهتمام به مسائل عبادی	
	تکلیف‌گرایی			
	آراستگی به فضایل اخلاقی	رعایت تقوا		
		تعظیم شعائر اسلامی		
		اشاعه فرهنگ اسلامی		
		مواجهه اخلاقی با زیرمجموعه		
		اسلام‌محوری در سیاست خارجی		
استقامت				
اهتمام به مسئولیت	شجاعت	عدم خودشیفتگی		
		صداقت	ساده‌زیستی	
			اصلاح نفس	
			حق‌گرایی	
			اخلاص	
			پارسایی	
	قاطعیت			
	مدیریت صحیح امور	اهتمام به مسئولیت	تلاش مؤثر	
			رصد مسائل کشور و کارآمدی در حل آنها	احساس مسئولیت
				قدردانی فرصت‌ها
				شناخت صحیح مسائل کشور
				پیگیری کارها تا به ثمر رسیدن
اصلاح سازوکارهای اداره کشور				
اهتمام به امور زیربنایی				
مدیریت صحیح زیرمجموعه		نظارت مؤثر	توجه به اقتصاد	
			اهتمام به پیشرفت کشور	
			اهمیت دادن به توسعه علمی	
			سیاسته‌سالاری	
			انگیزش	
	جوان‌گرایی			
عقلانیت‌ورزی	عقلانیت‌ورزی	نخبه‌پروری		
		تدبیر در امور		
		واقع‌گرایی		
		اهلیت علمی		
		یادگیری		
		تفکر		
گرایش به اتحاد و انسجام	قانونمداری			
	وحدت‌گرایی اسلامی			
	صلح‌جویی بین‌المللی			

شاخص‌های کلان	شاخص‌های خرد	شاخص‌های خردتر
	حفظ انسجام ملی	
	همدلی با سایر مسئولان	انسجام مسئولان
		انصاف در مواجهه با سایر مسئولین
	بینش انقلابی	درک صحیح از نظام
		اعتماد به میانی انقلاب
		ولایت‌مداری
		پایبندی به سیاست‌های نظام
		حمایت از نظام
		تحقق عینی ارزش‌های انقلاب
		استکبارستیزی
	مردم‌سالاری	پاسخگویی در قبال مردم
	آزاداندیشی و احترام به آن	
	خدمت به مردم	
	شناخت صحیح مردم	
	عزتمندی در روابط بین‌المللی	
	اعتماد به نفس ملی	
	امیدواری	
	ایجاد خودباوری در جامعه	
	تحول‌خواهی	
	عدل‌گستری	
	مبارزه با فساد	
	مخرومیت‌زدایی	
تعهد به نظام اسلامی	تعهد نسبت به سیاست‌های اعلامی نظام	
مردم‌مداری		
خودباوری		
آرمان‌گرایی		
عدالت‌محوری		

یافته‌های پژوهش

در اینجا به تشریح مؤلفه‌های اصلی پرداخته، نمونه‌ای از سخنان رهبر انقلاب در خصوص آنها بیان می‌شود:

اندیشه اسلامی و التزام عملی به آن

با توجه به ابتدای فرهنگ کشور بر اسلام، می‌توان اولین و مهم‌ترین خصیصه‌ای را که یک مسئول و سیاست‌گذار نظام اسلامی، ملزم به داشتن آن است، پایبندی به اسلام دانست؛ زیرا اسلام کامل‌ترین نقشه سعادت دنیوی و اخروی بشر را دربردارد. این کمال، علاوه بر زندگی شخصی، زندگی کاری افراد را هم دربر می‌گیرد. نمی‌توان از تأثیری که بر سیاست‌گذاری و مسئولیت‌شغلی دارد، اغماض نمود. کسی که به چارچوب مدون از سوی اسلام پایبند باشد، خود را در برابر خداوند مسئول می‌بیند و در پست و مقام خود، آنچه را رضای اوست، می‌جوید و دست خود را به حرام آلوده نمی‌کند. رهبر انقلاب در این خصوص می‌فرماید:

عامل اصلی پیشرفت امام بزرگوار ما و موفقیت او این است که به یک اصل قرآنی، به یک حقیقت قرآنی، با همه وجود، با همه دل، ایمان آورد و با همه توان در راه آن تلاش و کار کرد. آن اصل قرآنی همان چیزی است که در این آیه شریفه «ان تنصرواالله ینصرکم و یثبت اقدامکم» و در آیات متعدد دیگر از آن یاد شده و بر آن تأکید شده است. اگر خدا را نصرت کنید، خدا هم شما را نصرت خواهد کرد. اگر در راه خدا قدمی بردارید، خداوند متعال هم شما را ده‌ها و صدها قدم جلو خواهد برد. این، اصل قرآنی و یک حقیقت است. یک قانونی الهی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۵).

همچنین، وجود فضایل اخلاقی در سیاست‌گذاران موجب افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری در آنها می‌باشد. علاوه بر این، منجر به افزایش اعتماد عمومی به سیاست‌گذاران می‌شود. برای مثال، احساس خودشیفتگی در سیاست‌گذاران، می‌تواند منجر به انتقادناپذیری، نادیده گرفتن مشورت‌ها و سبک دستوری در مدیریت شود. رهبر انقلاب، در این خصوص می‌فرماید:

«و ایاک و الاعجاب بنفسک و الثقة بما یعجبک منها»؛ برحذر باش از اینکه خودشگفتی به سراغ تو بیاید. اعجاب به نفس، یعنی خودشگفتی؛ اینکه انسان از خودش خوشش بیاید. حضرت می‌گویند مواظب باش در این دام نیفتی. انسان گاهی در خودش امتیازاتی مشاهده می‌کند - فهم خوبی دارد، قدرت بدنی خوبی دارد، قدرت ذهنی خوبی دارد، اطلاعات وسیعی دارد، بیان ویژه‌ی دارد، صدای خوشی دارد، جمالی دارد - به مجرد اینکه دیدید نسبت به خودتان حالت خودشیفتگی وجود دارد که معنایش این است که با دیدن این امتیازات، عیوب را در کنارش نمی‌بینید بدانید که این خطر است (همان، ۱۳۸۴).

مدیریت صحیح امور

مسئولیت‌پذیری و تعهد نسبت به انجام، وظایف یکی از ویژگی‌های اساسی موردنیاز سیاست‌گذاران و مجریان در بخش عمومی است که در ادبیات مدیریت دولتی نیز مورد تأکید قرار گرفته است: در هر بخشی که ما هستیم، مسئولیت آن کاری که بر عهده گرفته‌ایم، این را بپذیریم. زیرمجموعه، زیرمجموعه‌ی ماست، احساس مسئولیت کنیم. در هر نقطه‌ای مسئولیت تعریف‌شده‌ای وجود دارد، آن مسئولیت را بایستی پذیرفت (همان).

البته تعهد نسبت به انجام وظایف محوله، اگرچه بسیار مهم است، اما کافی نخواهد بود. به عبارت دیگر، آن مسئولی که متعهد است، اما توانایی انجام کار را نداشته و تخصص لازم را در خود نمی‌بیند، می‌تواند منجر به کاهش بهره‌وری در کار و انحراف در خط‌مشی‌گذاری شود. از این‌رو، تخصص به همراه تعهد دو بال لازم برای هر سیاست‌گذار و مسئولی می‌باشد که هر یک، بدون دیگری ناقص می‌باشد. به همین دلیل، در سخنان رهبری، تأکید ویژه‌ای بر عقلانیت در اداره امور صورت گرفته است:

عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری فرق دارد. محافظه‌کار، طرف‌دار وضع موجود است. از هر تحولی بیمناک است. هرگونه تغییر و تحولی را بر نمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد. اما عقلانیت این‌طور نیست. محاسبه‌ی عقلانی، گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود. این‌طور نبود که مردم همین‌طور بی‌حساب و کتاب به خیابان بیایند و بتوانند یک رژیم آن‌چنانی را ساقط کنند. محاسبات عقلانی و کار عقلانی و کار فکری شده بود (همان، ۱۳۸۴).

یکی از مواردی که نشانگر کاربست عقلانیت و تخصص در اداره امور است، نظارت بر دستگاه‌ها و محاسبه میزان پیشرفت در برنامه‌ها است. ایشان، در این خصوص چنین می‌فرمایند:

باید دستگاه‌های نظارتی خودتان را محاسبه کنید. حالا دیگران ممکن است نظارت بکنند، ممکن است نکنند ممکن است نظارت‌شان درست باشد، ممکن است ناقص باشد. اما در درون خود مجموعه

قوه مجریه که نقشش در رسیدن به اهداف چشم‌انداز، بسیار حساس است دستگاه‌های نظارتی را فعال کنید، بعد ساز و کارهای نظارتی را بکار بیندازید تا ببینیم برنامه‌ها و سیاست‌ها چقدر جلو رفته؛ یعنی این گونه نباشد که سال دهم سند چشم‌انداز، نگاه کنیم و ببینیم پیشرفتی پیدا نکرده‌ایم؛ نه، بایستی اینها را مرتباً رصد کنید که معلوم شود چقدر پیش رفته‌ایم و چقدر به آن اهداف نزدیک شده‌ایم و چقدر زمینه‌ها فراهم شده است (همان، ۱۳۸۷).

نکته مهم دیگری، که در منظومه فکری رهبری، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی مدیریت صحیح مورد تأکید است، بحث قانون‌مداری در انجام وظایف است. در نگاه ایشان، قانون فصل‌الخطاب و تعیین‌کننده محدوده اختیارات و مسئولیت‌های سیاست‌گذاران است و تخطی از آن موجب به هم خوردن نظم اجتماعی بوده و از نظر شرعی نیز مورد پذیرش نیست. میثاق همه ما قانون اساسی است و یک وظایف تعریف‌شده‌ای در قانون اساسی کشور وجود دارد. یک کاری بر عهده مجلس است که باید انجام بدهد، دولت ناگزیر بایستی از آن تبعیت کند. اختیاراتی هم بر عهده دولت گذاشته شده است، مجلس و قوای دیگر حق ندارند در آنها دخالت کنند. هر کدام یک محدودیت و مسئولیت تعریف شده‌ای دارند و بر اساس همین بایستی تعامل داشته باشید (همان، ۱۳۸۵).

گرایش به اتحاد و انسجام

امروزه در مدیریت، موضوع هم‌افزایی یک بحث رایج شده است که اهتمام سازمان‌ها در تشکیل گروه‌ها و تیم‌های مختلف، شاهد خوبی برای این موضوع است. بر همین اساس، اثرگذاری افراد در هنگام وجود وحدت و یک‌دلی افزایش خواهد یافت. البته اهتمام به وحدت، نافی نقد مسئولان و سیاست‌گذاران نیست، بلکه وحدت و انسجام سیاست‌گذاران به معنای پرهیز از اختلاف افکنی و تسری اختلافات، به فضای مردمی است.

اتحاد و انسجام در منظومه فکری رهبری، دامنه وسیعی دارد و شامل انسجام داخلی تا بین‌المللی می‌شود. منظور از انسجام درونی، هم در بعد انسجام ملی و میان مردم است و هم در بعد انسجام میان سیاست‌گذاران. ایشان در خصوص وحدت ملی چنین می‌فرمایند: «آن کسانی که علیه امنیت ملت کار می‌کنند، وحدت ملی را مخدوش می‌کنند، به عنوان حمایت از اقوام، می‌خواهند وحدت ایرانی را - این اقوام، همه ایرانی‌اند؛ همه وفادار به ایرانند و همه خود را ایرانی می‌دانند و به آن مفتخرند - متزلزل کنند، برای دشمن کار می‌کنند» (همان، ۱۳۸۵). همچنین، بیان ایشان در خصوص انسجام میان سیاست‌گذاران چنین است:

نکته بعدی که این هم بسیار مهم است مسئله تعامل با قواست. بالأخره شما و مجلس و قوه قضائیه یک واحدید و یک کل هستید. ناچار باید با هم تعامل کنید. این هم نمی‌شود که این قوه تقصیر را بر گردن آن قوه بیندازد و آن قوه تقصیر را بر گردن این قوه بیندازد. بالأخره در مجموع، حالا بنده که بر حسب قانون مسئولیت تنظیم قوا را بر عهده دارم، وقتی این‌طور می‌بینم، به این نتیجه می‌رسم که یک خرده تقصیر این قوه است و یک خرده تقصیر آن قوه است. وقتی که این‌طوری شد، طبعاً یک ذره این باید جلو بیاید، یک ذره آن باید جلو بیاید. بدون هماهنگی با قوای دیگر، شما نمی‌توانید کار را پیش ببرید و حتماً بایستی این تعامل و هماهنگی و اعتماد را به وجود آورید (همان).

در بعد بین‌المللی نیز می‌توان دو گونه وحدت را در اندیشه ایشان جست و جو کرد که عبارتند از: وحدت میان جوامع اسلامی و وحدت و صلح با عموم جوامع که البته میان آنها از جهت شدت و ضعف و نوع اتحاد نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. در خصوص وحدت با جوامع اسلامی و پرهیز از اختلاف میان آنها ایشان می‌فرمایند:

این را من تکرار و تأکید می‌کنم و به همه می‌گویم: این غلط است که ما به نام ایمان اسلامی یا ایمان مذهبی حرفی بزنیم و کاری بکنیم که تعصبات فرقه‌ای را دائم مشتعل کنیم و همه را به جان هم بیندازیم. قضیه اصلاً این‌طوری نیست. به ایمان خودتان پایبند باشید؛ با هر کسی هم که از لحاظ ایمان مذهبی یا دینی با شما مخالف است، بحث نکنید، مجادله نکنید، استدلال نکنید، منطبق نکنید و او را به فکر خودتان معتقد نکنید. اما تعصب افروزی نکنید؛ «و جادلهم بالتی هی احسن». این، قرآن است. چرا یک عده‌ای نمی‌فهمند؟! من نمی‌دانم (خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

همچنین، در خصوص صلح‌جویی عمومی با تمامی جوامع ایشان، چنین می‌فرمایند:

ما شروع کننده جنگ نیستیم؛ ما با هیچ دولتی سر جنگ نداریم؛ ما آرمان بلندی داریم که همه نیروی خودمان را می‌خواهیم صرف کنیم، تا به آن آرمان برسیم و آن، ساختن ایرانی است که خوشبختی مادی و معنوی این ملت را تأمین کند و بتواند الگویی باشد برای ملت‌های دیگر (همان).

تعهد نسبت به سیاست‌های اعلامی نظام اسلامی

هر مسئولی در هر بخش دولتی، که به فعالیت مشغول است، باید بداند در قبال این مسئولیت، چه تکلیفی بر دوش می‌کشد و نسبت به چه چیزی متعهد شده است؛ چرا که این تعهد، می‌تواند به عنوان یک موتور محرکه قوی آن مسئول را به جنب و جوش واداشته، و او را خستگی‌ناپذیر نماید. وقتی مسئول بداند در قبال نظامی برآمده از متن مردم و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، متعهد است؛ مسیر حرکت کلی نظام را درست تشخیص داده، سعی می‌کند در این عرصه عمل کند و کشور را برای رسیدن به اهدافش به پیش ببرد. اما عدم بینش صحیح نسبت به این سیاست‌ها و یا عدم تعهد کافی نسبت به آنها در میان مسئولان مختلف، به این معنی است که هر مسئولی در جهت مورد قبول خودش حرکت کند. در نهایت، کشور به میدانی برای حرکت افراد گوناگون در جهت‌های مختلف شده و در بخش‌های گوناگون آن، شاهد بی‌نظمی و ناهماهنگی خواهیم بود. بیان رهبر انقلاب، در خصوص لزوم حرکت در جهت سیاست‌های کلی نظام چنین است:

نکته بعدی توجه دائم به سند چشم‌انداز است. این سند چشم‌انداز، مسئله مهمی است. نباید هم تصور شود که این سند یا سیاست‌های کلی را کسانی نشسته‌اند و دارند تنظیم می‌کنند؛ نه. درست است که اینها یک فرایندی دارد و از یک جاهایی شروع می‌شود. لیکن آن کسی که در این زمینه کار و فکر می‌کند و تصمیم می‌گیرد، خود رهبری است. این سیاست‌ها، سیاست‌های رهبری است. اینها چیزهایی است که با توجه به همه جوانب ملاحظه شده و این سند چشم‌انداز درآمده است و بر اساس سیاست‌های کلی‌ای که در این مدت وجود داشته، اعلام شده است. اینها باید در برنامه‌ها رعایت شود و نباید تخلف شود. (همان).

مردم مداری

همان‌طور که بیان شد، در نگاه اسلامی مردم صاحبان حقیقی نظام هستند. اساساً نظام اسلامی بر پایه اعتقادات و باورهای مردم شکل می‌گیرد. هیچ‌گاه امری تحمیلی و خارجی محسوب نمی‌شود. بنابراین، هم در انتخاب مسیر پیشرفت کشور و هم در انتخاب مجریان آن مردم نقش اساسی دارند:

در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند. به علاوه در این مسیر، مسئولان باید دائماً متوجه رضایت و منفعت مردم باشند: «و اجمعها لرضی الرعیة»؛ دیگر اینکه کاری که انتخاب می‌کنی، رضایت مردم را با خودش داشته باشد. «رعیت» به مردم اطلاق می‌شود؛ یعنی کسی که مراعات او لازم است... یعنی توده مردم و عامه مردم... تکیه امیرالمؤمنین و پیغمبر و قرآن هم روی همین مجموعه‌های عمومی مردم است؛ همین‌که ما عوام مردم می‌گوییم... همین چیزی که خواص خاص خرج کن امروز با طرح آن در مسائل سیاسی و اجتماعی مخالفند و اسمش توده‌گرایی و پوپولیسم است (همان، ۱۳۸۴).

در نگاه اسلامی، حساسیت برای خدمت به مردم و دلسوزی و تعهد نسبت به آن، از وظایف مسئولان است تا حدی که اگر این امر مورد غفلت قرار بگیرد، باید از خداوند طلب مغفرت نمود. (استغفار از غفلت از مردم و خدمت به آنهاست. اگر غفلتی در این مورد داشته‌ایم، باید به خدا پناه ببریم و توبه کنیم. نگذاریم دل ما از مردم غافل شود... یک لحظه باید از خدمت به مردم غافل نشویم (همان)).

خودباوری

یکی از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی در زمان شکل‌گیری، شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» بود. این شعار، که از دل ملت انقلابی جوشیده بود، به وضوح دلالت بر اتکاء به خود و قطع امید از نظام‌های مستکبر جهانی دارد. مقابله با استکبار جهانی، جزء اصلی هویت جمهوری اسلامی است. بنابراین، برای تداوم مسیر انقلاب در جهت اصلی آن، چاره‌ای جز اتکاء و اعتماد به نیروهای خودی و باورداشتن به آن‌ها برای مسئولان نظام وجود ندارد:

اصل چهارم، تقویت خودباوری و اعتماد به نفس ملی است. این اعتماد به نفس، در همه جاست. ما اکنون در زمینه مثلاً علوم تجربی، نمونه‌هایی‌اش را دیده‌ایم که حالا یکی‌اش فناوری هسته‌ای است، یکی‌اش تولید سلول‌های بنیادی است... البته اینها فقط یک بخشی از کار است. استقلال اعتماد به نفس ملی و خودباوری، فقط به این چیزها منحصر نمی‌شود... بلکه باید در سیاست، فلسفه، ابتکارهای مردمی و ارزش‌های اخلاقی هم خودباوری داشته باشیم (همان).

لازمه این اعتماد به نفس، داشتن امید به آینده و نگاه مثبت نسبت به مسیر پیشرفت کشور است: «ناامیدی درد بزرگی است و برای نابود کردن یک ملت، از همه وسایل مؤثرتر، ناامید کردن آن ملت است. ملتی را ناامید کنید، نابود می‌شود. وقتی امید نبود، حرکت و نشاط نیست. وقتی حرکت و نشاط نبود، آینده نیست. ما دلیلی برای ناامیدی نداریم؛ صد دلیل برای امید داریم (همان، ۱۳۸۳).

این اعتماد به نفس و احساس عزت، در روابط با سایر ملل نیز باید خودش را نشان بدهد. به‌طور کلی، روح حاکم بر اسلام، خواهان عزت‌مندی مسلمین در روابط میان ملت‌ها است. آیت الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

ما با کسی دعوا نداریم. ما به کسی که می‌خواهد دوباره بر ما سیطره پیدا کند، می‌گوییم نخیر، غلط می‌کنی؛ اجازه نمی‌دهیم. منازعه نظام اسلامی با کسانی که در پی چالش با این نظامند، سر این قضیه است... آنچه مهم است، این است که ملت ایران و نظام اسلامی ایستاده است و می‌خواهد از هویت و استقلال و عزت ملی خود دفاع کند (همان).

آرمان‌گرایی

جرقه‌های انقلاب اسلامی از ابتدای شروع نهضت، آرمان‌هایی بود که پیشگامان نهضت و نیز مردم در دل و جان خود داشتند و برای آنها مبارزه کردند و خون دادند. پیداست که حافظ و نگهبان هویت انقلاب در طول زمان، همان چیزی است که در ابتدا آن را ایجاد کرده است. به عبارت دیگر، نظام اسلامی، اگر بخواهد با هویت اصیل خود باقی بماند، باید از مسیر اولیه خود منحرف نشود؛ یعنی باید نسبت به آرمان‌ها و اهداف بلند خود تعهد داشته باشد. نمود این آرمان‌گرایی، باید در عمل نیز مشهود باشد؛ یعنی سیاست‌گذار تراز انقلاب اسلامی، باید برای انجام کارهای بزرگی که برآمده از آرمان‌های اصیل انقلاب است، جسارت داشته باشد و بتواند در وضعیت موجود کشور، خصوصاً در زمینه‌هایی که مسائل متعددی وجود دارند، تحول اساسی ایجاد کند:

یک چیزهایی هست که امتیازات واقعی است؛ باید به اینها توجه کرد... (مثل) جرأت در ایجاد تحول؛ حالت روحی این دولت این است که برای تحول‌آفرینی جرأت دارد و اقدام می‌کند... نفس اینکه انسان حالت دلیری در مقابل مشکلات داشته باشد و تصمیم بگیرد که برای رفع مشکلات اقدام بکند، چیز بالارزشی است (همان، ۱۳۸۷).

عدالت‌محوری

محوریت قسط و عدل در جامعه، یکی از ویژگی‌های عمده نظام اسلامی است. به طوری که بدون آن، فلسفه تشکیل حکومت اسلامی خدشه‌دار می‌گردد:

در دنیا حکومت‌هایی هستند که شعار دین سر دستشان قرار دارد. آنچه در دنیا کمیاب است ... حکومت ارزش‌های دینی است؛ ... یعنی اصرار بر تحقق عدالت اجتماعی. اینکه ما می‌گوییم، شعار نیست؛ حقیقت و هویت ماست. ما اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بی‌هوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد (همان، ۱۳۸۳).

جمهوری اسلامی از این جهت که داعیه‌دار زمینه‌سازی برای ظهور امام عصر عجله فرجه بوده و خود را مقدمه‌ای برای آن می‌داند، وظیفه‌ای دوچندان در قبال گسترش عدالت در جامعه می‌یابد. رهبری در این زمینه می‌فرماید: «هدف رسیدگی به مناطق محروم و مناطق دوردست» این‌ها جزو آرزوهای ماست» (همان، ۱۳۸۵).

یکی از لوازم مهم این اصل، مبارزه با فساد اقتصادی است که منجر به تبعیض گسترده شده و مانعی جدی برای تحقق عدالت در جامعه است:

من بارها این را گفته‌ام، مثال زده‌ام و تکرار کرده‌ام که فساد در دستگاه اجرایی مثل این است که ما چندین لوله قطور آب به استخری وارد می‌کنیم؛ اما استخر پر نمی‌شود؛ این همه تلاش انجام می‌گیرد، در عین حال انسان زوایای خالی را مشاهده می‌کند که بخش عمده‌ای از این، مربوط می‌شود به فساد مالی و به رخنه‌های اخلاقی که در مجموعه دستگاه در سطوح مختلف وجود دارد. باید با اینها مبارزه و مقابله کنید (همان، ۱۳۸۳).

نتیجه‌گیری

پیوند اخلاق و مدیریت دولتی، پدیده‌ای است که امروزه به شدت مطمح نظر ملت‌ها و دولت‌ها قرار گرفته است. اگرچه هم اخلاق یک حوزه وسیع و پهناور است و هم حوزه مدیریت دولتی حوزه‌ای پیچیده به شمار می‌رود. اما این دو توانسته‌اند با یکدیگر تلفیق شده، و در نظر و در عمل، موفقیت‌های جالب‌توجهی را کسب نمایند.

اگرچه حضور اخلاق در وادی سیاست‌گذاری عمر اندکی دارد، اما این عمر کم از اهمیت موضوع نکاسته است. هراس رهبران و مسئولان کلان حکومت‌ها، از انحطاط و رسوایی از یک سو، و هشیاری مردم نسبت به مصالح خود و آنچه در درون حکومت‌ها می‌گذرد از سوی دیگر، منجر به توجه بیش از پیش حکمرانان به پدیده «اخلاق» در حکمرانی شده است. امروزه، بر سیاست‌گذاران پوشیده نیست که اخلاق نقش حیاتی در عمر مسئولیت آنها دارد. از این رو، سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی، پایبندی به یک سری اصول و قواعد حاکم بر جامعه، که همان ارزش‌ها، اعتقادات و فرهنگ جامعه هستند را -اگرچه صوری- بر خود لازم دانسته، و در این امر از یکدیگر سبقت می‌جویند. شعار صداقت، عدالت، خوشرفتاری با ارباب‌رجوع، مصادیقی از توجه به اخلاق در مدیران کلان و سیاست‌گذاران است. در تحقیقی که از نظر گذشت، محققان ضمن نقد و بررسی نظریه انگیزش خدمت عمومی و بررسی نسبتاً جامع اخلاق در سیاست‌گذاری و با توجه به قواعد و فرهنگ حاکم بر جامعه اسلامی-ایرانی، همت به تدوین مدلی گماشتند که ضمن واضح‌سازی مسیر صحیح سیاست‌گذاری، راهنمای عملی جامع برای تمامی مدیران اجرایی و سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی ایران باشد. این چارچوب، که ظرفیت بالایی برای عملیاتی شدن دارد، می‌تواند منشور جامعی برای سازمان‌های سیاست‌گذار جامعه باشد و سرلوحه‌ای برای سیاست‌گذاران شود تا از انحراف ایشان کاسته، احتمال فروپاشی سازمان‌های کلان سیاست‌گذار را به حداقل برساند.

با نگاهی همه‌جانبه و کلی، نسبت به اصول ذکر شده، می‌توان گفت: یکی از مغایرت‌های اساسی نگاه رهبری با نگاه موجود در ادبیات غربی، این است که ایشان معتقدند نظام اسلامی صرفاً متولی معاش مردم نیست، بلکه در قبال معاد و آخرت مردم نیز خود را مسئول می‌داند. بر این اساس، قلمرو وظایف مسئولان و به تبع آن، مختصات و رفتارهای آنها نیز بسیار گسترده‌تر و متفاوت‌تر از چیزی خواهد بود که در ادبیات سکولار موجود از آن بحث می‌شود. دلیل این نتیجه‌گیری، شمول مختصات و وظایفی است که ایشان برای سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی قائل‌اند که علاوه بر رفع حوائج دنیوی جامعه، مسئولیت رشد معنوی و اعتقادی آن را نیز متوجه مسئولان می‌داند. مفاهیمی نظیر آخرت‌گرایی، اسلام‌گرایی، اشاعه فرهنگ اسلامی، صدور ارزش‌ها، استکبارستیزی و تحقق عینی

ارزش‌های انقلاب در نگاه ایشان، مؤید این نکته است. در سطحی وسیع‌تر، با توجه به مفاهیمی مثل صدور ارزش‌ها، وحدت‌گرایی اسلامی و استکبارستیزی، حتی می‌توان ادعا کرد که نظام اسلامی، نه فقط مسئول معاد و معاش مردم تحت حاکمیت خود، بلکه در قبال دنیا و آخرت تمامی مسلمین و بلکه همه بشریت خود را مسئول دانسته، و تا حد توان و در صورت وجود شرایط، سعی در پیشبرد این اهداف در سطح جهانی دارد. در واقع، منطق ایشان در خصوص انقلاب اسلامی را می‌توان این‌گونه دانست که انقلاب اسلامی، مکتبی انسان‌ساز است که تنها دین مردم را هدف نگرفته، بلکه به واسطه اینکه اسلام مکتب انسانیت است، عقلانیت، معنویت و عدالت را که از عناصر جدایی‌ناپذیر انسانیت است، شعار خود قرار داده و به دنبال حاکم کردن آنها تلاش می‌نماید.

یکی دیگر از خصایص این نگاه، نحوه مواجهه و نگرش آن نسبت به مردم است. در این رویکرد، مردم حقیقتاً صاحبان اصلی نظام تلقی شده و مسئولان باید نسبت به آنها پاسخ‌گو باشند. تفاوت پاسخ‌گویی، با مسئولیت‌پذیری، در این است که پاسخ‌گویی را نمی‌توان صرفاً در حد رفع تکلیف و توان پاسخ‌گویی فرد در قبال منابع و وظایف واگذار شده به او دانست، بلکه پاسخ‌گویی، ابزاری است برای دادن توضیح متعهدانه اعمال و تصمیمات یک فرد یا نهاد دیگری، که همراه آثار حقوقی، سیاسی و اداری لازم است. پاسخ‌گویی، نیروی پیش‌برنده‌ای است که بر بازیگران کلیدی فشار وارد می‌آورد، تا در قبال عملکرد خود مسئول باشد و از عملکرد خوب خدمات عمومی اطمینان حاصل نمایند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۰). در این صورت، اعتماد ملی به مسئولان ایجاد شده و انس و یک‌دلی میان مردم و مسئولان ایجاد می‌شود. مفاهیمی نظیر احساس مسئولیت، محرومیت‌زدایی، اعلان صادقانه امور به مردم، پایبندی به منافع ملی، تعهد به اموال عمومی و مردم‌گرایی، برای حل مسائل کشور را می‌توان در این قالب فهم کرد.

منابع

- آذر، عادل و همکاران، ۱۳۸۷، «اخلاق در علم مدیریت»، *اخلاق در علوم و فناوری*، سال سوم، ش ۱ و ۲، ص ۶۱-۷۰.
- احمدی، کیومرث، و همکاران، ۱۳۹۰، «سیر تکوینی پاسخ‌گویی اجتماعی سازمانی و ارائه مدلی برای بسط مفهومی آن در سازمان‌های ایرانی»، *مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج-سال ششم، ش ۱۸.
- بانکی‌پور فرد؛ امیرحسین و همکاران، ۱۳۹۴، *عیارمدیران از منظر رهبر انقلاب*، حدیث راه عشق.
- بیک‌زاد، ج. صادقی، م. ابراهیم‌پور، د، ۱۳۹۱، «تأثیر عوامل سازمانی بر رشد اخلاق حرفه‌ای کارکنان»، *اخلاق در علوم و فناوری*، ۱-۹، سال هفتم، ش ۲.
- راهبردهای اساسی خدمت‌گزاری؛ *رهنمودهای رهبر معظم انقلاب*، ۱۳۸۲، تهران، مؤسسه قدر ولایت، ص ۵۱۲.
- موسوی، آرش، الستی، کیوان، ۱۳۹۸، «چارچوبی برای تحلیل نظام‌مند اخلاق سیاست‌گذاری علم و فناوری»، *سیاست علم و فناوری*، س یازدهم، ش ۲.
- فاطمی تبار، سیداحمد، ۱۳۸۷، «استنتاج اخلاق از دین»، *اخلاق و تاریخ پزشکی*، دوره ۱، ش ۲، ص ۷-۱۴.
- موسی‌پور؛ میثم، ۱۳۸۴، *معیارهای یک انتخاب: انتخابات و ویژگی‌های رئیس جمهوری اصلاح از نگاه مقام معظم رهبری*، همای غدیر.
- طباطبائی، م. ح، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- ویسی؛ غلامرضا، آسیب‌شناسی مدیریت با الهام از اندیشه امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، پیام، ش ۹۳، ص ۹۹-۱۲۰.
- <http://www.khamenei.ir>
- Brewer, G. A. and Selden, S. C. and Facer II, R. L. (2000) Individual Conceptions of Public Service Motivation. *Public Administration Review*. May & June 2000. Vol. 60. No. 3. 254-264.
- Fording, R. C. and Miller, P. M. and Patton, D. J. (2003). Reform or Resistance? Local Government Responses to State-Mandated Ethics Reform in Kentucky. *Publius*. Vol. 33. No. 2 (Spring, 2003). 1-15
- Huddleston, M. W. and Sands, J. C. (1995). Enforcing Administrative Ethics. *Annals of the American Academy of Political and Social Science*, Vol. 537, Ethics in American Public Service (Jan., 1995). 139-149
- James A. F. Stoner, R. Edward Freeman, Management; Selection of Texts, Edited By Esmailpour & Eshraghi, Negahe Danesh, 1389
- Kaplan, A. (1958). American Ethics and Public Policy. *Daedalus*. The American National Style. Vol. 87. No. 2. (Spring, 1958). 48-77
- Kim, S. and Vandenabeele, W. (2010). A Strategy for Building Public Service Motivation Research Internationally. *Public Administration Review*. September & October 2010. 701-709.
- Lewis, G. B. and Frank, S.A. (2002). Who Wants to Work for Government? *Public Administration Review*. VOL. 62. NO. 4. 395-404.
- Norris, P. (2003). Is there still a public service ethos? Work values, experience, and job satisfaction among government workers. In: Donahue, J.D. and Nye, J.S.Jr., (Eds) for the people-can we fix public service, Washington DC: Brookings institution press
- Perry, J. L. and Hondeghem, A. and Wise, L. R. (2010). Revisiting the Motivational Bases of Public Service: Twenty Years of Research and an Agenda for the Future. *Public Administration Review*. September & October 2010, 681-690.

Perry, J. L. (1996). Measuring Public Service Motivation: An Assessment of Construct Reliability and Validity. *Journal of Public Administration Research and Theory*. Vol. 6. No. 1. Jan. 1996. 5-22.

Perry, J. L. and Wise, L. R. (1990). The Motivational Bases of Public Service. *Public Administration Review*. VOL. 50. NO. 3. 367-3۷3

Rainey, H. G. and Steinbauer, P. (1999). Galloping Elephants: Developing Elements of a Theory of effective Government Organizations. *Journal of Public Administration Research and Theory*. VOL. 9. NO. 1. 1-32.

Rosenthal, D. and Perlman, B. (1986). Ethical Dimensions of Public Policy & Administration. *Polity*. Vol. 19. No. 1 (Autumn, 1986). 56-73

Sheeran, P. J. (1993). *Ethics in Public Administration; A PHILOSOPHICAL APPROACH*. PRAEGER. London

Suzuki, P. T. (1995). Public Sector Ethics in Comparative Perspective. *Annals of the American Academy of Political and Social Science*. Vol. 537, Ethics in American Public Service, (Jan., 1995). 173-183

Vandenabeele, W. (2007). Toward a Public Administration Theory of Public Service Motivation: An Institutional Approach. *Public Management Review*. VOL. 9. NO.4. 545-556.

Vandenabeele, W. (2008). Government Calling: Public Service Motivation as an Element in Selecting Government as an Employer of Choice. *Public Administration*. VOL. 86. NO. 4. 1089-1105.

